

## مناسبات فاطمیان با شرفای حجاز

فاطمه جان احمدی<sup>۱</sup>

سید محمود سامانی<sup>۲</sup>

**چکیده:** حکومت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق.) در مصر و شام با برهه‌ای از امارت دیرپای شرفای حسنی (۳۵۸ تا ۱۳۴۳ق.) در مکه مکرمه و شرفای حسینی (حک: ۳۶۰-۱۱۰۰ق.) در مدینه منوره، هم‌زمان بود. اشراف حجاز به رغم استقلال معنوی و جاهت سیاسی، پیوسته از سیاست‌های دولت‌های قدرتمند همجوار متأثر بودند. در میان این دولت‌ها، فاطمیان شیعه مذهب که به عنوان دشمن و رقیب خلافت عباسی و در زمره رقبای دولت‌های آل‌بویه و سلجوقیان در ایران شناخته شده‌اند، با برخورداری از اقتدار نظامی، تلاش خود را برای سیادت بر حریم شریفین و همراه ساختن امرای آن با سیاست‌های خود به کار بستند. بررسی تاریخی این برهه، سؤالات پرشماری را در بر داشت که این پژوهش در صدد پاسخگویی به دو پرسش اصلی آن است: مناسبات فاطمیان با شرفای حاکم بر حجاز چگونه بود؟ عوامل مؤثر بر ایجاد استمرار روابط فاطمیان چه بود؟ دست‌آمد این تحقیق نشان داد که روابط فاطمیان با شرفای حجاز دو سویه، بود چنان‌که فاطمیان از برقراری روابط سیاسی با شرفا، به دنبال کسب مشروعیت و احراز جاهت برای دولت خود از طریق سیطره بر حجاز بودند و علاوه بر این به کوتاه کردن دست عباسیان و دولت‌های حامی آنان از حریم شریفین هم می‌اندیشیدند. شرفا نیز به دلیل ضعف اقتصادی و ضعف اقتدار سیاسی-نظامی به دنبال تقویت بنیه مالی و حفظ موجودیت سیاسی و تداوم امارت خود از طریق روابط با فاطمیان بودند. علل تداوم روابط میان شرفا و فاطمیان را هم می‌توان در عملکرد دولت‌های آل‌بویه و سلجوقیان دانست. در این پژوهش، روش پاسخ‌گویی به سؤالات و آزمون فرضیات مطرح، روش توصیفی-تحلیلی و استنباطی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای است.

**واژه‌های کلیدی:** مناسبات، فاطمیان، شرفا، حریم شریفین، عباسیان، آل‌بویه، سلجوقیان

۱ دانشجویار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س) تهران (نویسنده مسئول) janahmad2004@yahoo.com

۲ دانش‌آموخته دکتری دانشگاه معارف اسلامی قم

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۳۱

## The Relations between Fatimids and Sharifs ( Sharif of al-Hejaz)

Fatemeh Janahmadi<sup>1</sup>  
Seyyed Mahmoud Samani<sup>2</sup>

**Abstract:** Fatimid government (297-567 AH) in Egypt and Damascus was in part contemporary with the long-established government of Sharif of al-Hassani (358-1343 AH) in Mecca and Sharif of al-Hosseini (360-1100 AH) in Medina. Hejaz noblemen, despite their spiritual independence and political prominence, were constantly influenced by the policies of their adjoining powerful governments. Among these governments, Shiite Fatimids were considered as foes and rivals to Abbasid government and Buyid and Seljuk dynasties in Iran. Given their military supremacy, they tried their best to be in the ascendancy of the Holy Shrines and making governors follow their policies. The historical analysis of this era led to emergence of a good number of questions. The present study aims to respond to two of these questions: How were the relations between the Fatimids and Sharif of al-Hejaz governors? What factors impacted on the stability of the relations of the Fatimids? The findings of the study revealed that there were mutual relations between the Fatimids and Sharif of al-Hejaz governors in a way that the Fatimids sought to maintain their legitimacy and governmental prominence via diplomatic relations with the Sharifs and dominating Hejaz. Furthermore, they wished to inhibit the Abbasids and their allies from gaining control over the Holy Shrines. Sharifs, given their political, military, and economic weakness, also attempted to reinforce themselves financially and maintain their political stability via relations with the Fatimids. The reasons for the continuity of such relations could also be sought in the acts of the Buyid and Seljuk dynasties. The present study aims to answer these questions and test the posed hypotheses through a descriptive-analytic, inferential approach and library-oriented method of data collection.

**Keywords:** Relations, Fatimids, Sharifs, Holy Shrines, Abbasids, Buyid, Seljuk

---

1 Associate Professor of History of Islam Dept. Alzahra University Tehran janahmad2004@yahoo.com

2 Ph.D. Student Of history of Islam Dept. Maâref University Qom

## مقدمه

نقش مکه مکرمه و مدینه منوره به عنوان دو کانون معنوی در تولید مشروعیت دینی و دنیوی در برقراری مناسبات سیاسی و مذهبی از زمان تأسیس خود از چشم تیزبین مورخان و محققان به دور نمانده است. سیادت بر حرمین به طمع کسب مشروعیت همواره رقابت میان دولت‌های مقارن را برانگیخته است. در فاصله زمانی سده چهارم تا ششم هجری دولت‌های طولونی و اخشیدی و پس از آن‌ها فاطمیان در مصر و شام و همچنین آل‌بویه در ایران و عراق و به دنبال آن‌ها سلجوقیان به عنوان حامیان دستگاه خلافت عباسی در شرق سرزمین‌های اسلامی را برانگیخت، این دولت‌ها تلاش‌های مستمر خود را برای سیادت بر حرمین شریفین و شرفای حاکم بر آن به کار بستند تا از مزایای معنوی و امتیازات سیاسی آن بهره‌مند شوند. تا پیش از تشکیل امارت شرفا (سادات حسنی و حسینی) در حجاز و تا زمانی که دستگاه خلافت عباسی دچار ضعف نشده بود، خلفا مستقیماً در امور حجاز دخالت می‌کردند و حتی الامکان فردی از خویشاوندان خود را بر آن ولایت می‌گماردند. با ضعف خلافت عباسی و شکل‌گیری دولت‌های نیمه مستقل و یا مستقل در اطراف جزیره‌العرب، غالباً این دولت‌ها، دخالت و یا سیطره بر امور حرمین را برعهده داشتند. با تشکیل امارت شرفا در نیمه دوم سده چهارم هجری، حجاز وارد دوره جدیدی از حیات سیاسی خود شد و از قدرت‌های همجوار و رقیب در مناسباتش تأثیر پذیرفت. بخشی از امارت طولانی مدت شرفا، مصادف با حکومت فاطمیان شیعی مذهب در مصر بود. فاطمیان از همان آغاز امارت شرفا، توجه خود را به حجاز معطوف داشته و برای همراه ساختن شرفا با سیاست‌هایشان، ضمن رعایت حرمت شرفا و عدم حذف آنان از صحنه سیاسی، از ابزارهایی برای نیل به مقاصد خود بهره جستند. سیاست خارجی فاطمیان در باره حجاز، تعامل با شرفای حاکم بر آن بود تا به اهداف خود که سیادت بر حرمین بود، جامه عمل ببوشانند. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤالات اساسی است که: مناسبات فاطمیان با شرفای حاکم بر حجاز چگونه بود؟ عوامل مؤثر بر ایجاد و استمرار روابط میان این دو دولت چه بود؟ راهکار فاطمیان در حفظ و استمرار روابط چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال، ضمن توجه به ماهیت دوسویی روابط میان دولت‌ها، می‌توان همسویی منافع را در ایجاد روابط سیاسی دو سویه شرفا و فاطمیان و همچنین در عدم استقلال اقتصادی و فقدان اقتدار سیاسی - نظامی و نیاز به حفظ موجودیت سیاسی و تداوم امارت شرفا و کسب مشروعیت و احراز وجهت برای دولت فاطمیان و نیز

کوتاه کردن دست عباسیان و سلجوقیان از حرمین شریفین جستجو کرد. در پاسخ به سوال دوم می‌توان بخشی از عوامل مؤثر بیرونی در ایجاد و تداوم روابط و مناسبات شرفای حجاز با دولت فاطمیان را سیاست و مداخلات حامیان دستگاه خلافت عباسی هم چون آل بویه و سلجوقیان در امور مربوط به شرفا دانست. در پاسخ به سؤال سوم پیرامون ابزارها و اقدامات فاطمیان برای حفظ و تداوم روابط، به نظر می‌رسد که فاطمیان با اتخاذ تصمیمات سیاسی و اقتصادی و تطمیع و تهدید شرفا در حفظ و استمرار این مناسبات کوشیدند.

به دلیل اهمیت موضوعی سیادت بر حرمین و رقابت عباسیان و فاطمیان برای کسب این نفوذ و سیادت، مطالعاتی که در این باره صورت گرفته است کافی نیست. کتاب *التنافس السلجوقی - الفاطمی علی بلاد الحجاز و امرای الحج* نوشته الخرابشه<sup>۱</sup> که به فارسی تحت عنوان *رقابت عباسیان و فاطمیان در سیادت بر حرمین شریفین* ترجمه شده است و یا کتاب *مکه و علاقتهای خارجیة نوشته زیعلی*<sup>۲</sup>، *بلاد الحجاز منذ بداية عهد الاشراف حتی سقوط الخلافة العباسیة فی بغداد* نوشته مالکی<sup>۳</sup> در زمره این مطالعات هستند که البته هر یک به قدر سهم خود از رقابت‌های فاطمیان و عباسیان بر سر مسئله حاکمیت بر حجاز پرده برمی‌دارند لیکن آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده است روابط و مناسبات فاطمیان و شرفا است که حوزه‌ای تخصصی و موضوعی مسئله محور، متکی بر یافت پرسش‌های فوق‌الاشاره است. بدیهی است با بهره‌گیری از روش معمول مطالعات تاریخی یعنی روش گردآوری اطلاعات از طریق منابع مکتوب کتابخانه‌ای و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی به آزمون فرضیات مقدور خواهد بود.

### زمینه‌ها و دلائل روابط فاطمیان با شرفای حجاز

فاطمیان به عنوان سادات حسینی با گرایش مذهب اسماعیلی، از همان آغاز امارت شرفا در حجاز، برمصر و پس از آن بر شامات تسلط یافته و به مثابه دولتی مقتدر و تأثیرگذار در تحولات جهان اسلام مطرح شدند. همسویی منافع این دولت با شرفا، آن‌ها را بهم مرتبط

۱ سلیمان الخرابشه (۱۳۸۵ش)، *رقابت عباسیان و فاطمیان در سیادت بر حرمین شریفین*، ترجمه رسول جعفریان، تهران: نشر مشعر.

۲ احمد عمر الزیعلی (۱۴۲۵ق)، *مکه و علاقتهای خارجیة ۳۰۱-۴۸۷ق*، بیروت: الدار العربیة للموسوعات، ط. الثانية.

۳ سلیمان عبدالغنی مالکی (۱۴۰۳ق)، *بلاد الحجاز منذ بداية عهد الشرفا حتی سقوط الخلافة العباسیة فی بغداد*، ریاض: مطبوعات دارالملک عبدالعزیز.

ساخت. علی رغم سیاست خارجی شرفا که حفظ شبه استقلال دولتشان در حجاز بود<sup>۱</sup> آنان را متمایل به سوی قدرت‌های برتر منطقه و صاحب نفوذ در حجاز کرده بود. مشکل مالی و اقتصادی شرفا و نیاز مبرم آنان به کمک مالی و مسئله مشروعیت برای فاطمیان می‌توانست منافع مشترک آنان را بهم گره زند.

شرفای حاکم بر حجاز دو دسته بودند. شرفای حسنی به عنوان امیران مکه مکرمه، از نسل دومین امام شیعه، حسن بن علی (ع) بودند. آنان شامل شرفای موسویون (منسوب به موسی الجون) به عنوان طبقه اول شرفا شناخته می‌شوند<sup>۲</sup> که مدت حکومت آنان حدود یک سده از سال ۳۵۸-۴۵۳ ق. به طول انجامید. دومین طبقه شرفای حسنی به عنوان سلیمانین شناخته می‌شوند.<sup>۳</sup> اینان به مدت کوتاهی از ۴۵۳ تا ۴۵۵ ق بر مکه حکمرانند. سومین طبقه از شرفا، هوشم (حک: ۴۵۵-۵۹۷ ق) منسوب به ابوهاشم محمد بن حسن هستند.<sup>۴</sup> امارت این سه خاندان همزمان با دولت فاطمیان بود.

همزمان با شرفای حسنی مکه، دسته دیگری از شرفا که از سادات حسینی بودند بر مدینه منوره امارت داشتند که از حدود سال ۳۶۰ ق. تا حدود پایان سده یازدهم هجری، سلطه سیاسی و معنوی آنان تداوم یافت.<sup>۵</sup> بخش مهمی از این امارت با دولت فاطمیان هم عصر بوده و آل‌مهنا (از شاخه‌های سادات حسینی) در این مدت بر آن شهر حاکم بودند. البته در طی این دوره، گاه شرفای حسنی، سیطره امارتشان را بر مدینه و بلکه بر تمام حجاز می‌گستراندند.<sup>۶</sup> شرفا با برخورداری از وجاهت کاریزماتیک و انتساب به خاندان اهل بیت (ع) و سیطره بر حجاز در رقابت میان دولت‌ها بر سر سیادت بر حرمین شریفین به عنوان قاعده ضلع سوم در گردونه رقابت بودند.<sup>۱</sup> اهداف شرفا در کشاکش این رقابت‌ها و سوگیری‌های سیاسی در دو بخش خلاصه می‌شد. نخست: فقدان توان نظامی و لزوم حفظ موجودیت سیاسی، همواره

۱ الخرابشه، همان، صص ۱۱ - ۱۲.

۲ الخرابشه، همان‌جا.

۳ عبدالفتاح حسین راوه (۱۴۰۷ق)، *امراء البلد الحرام عبر عصور الاسلام*، طائف: مكتبة المعارف...، ص ۱۳۴.

۴ احمد بن زینی دحلان (۱۳۰۵ق)، خلاصه الكلام فی بیان امراء البلد الحرام. مصر: المطبعة الخيرية، ص ۱۶.

۵ ابن فرحون (بی تا)، *تاریخ المدينة المنورة*، به کوشش شکری. ج ۲، بیروت: دارالارقم، ص ۳۳۴.

۶ تقی‌الدین محمد بن احمد فاسی (۱۹۵۶م)، *شفاء العرام بأخبار البلد الحرام*، ج ۲، مکه: مكتبة التهفة الحدیثة، جزء اول، ص ۳۱۰؛

شمس‌الدین سخاوی (۱۴۱۴ق)، *التحفة للطیفة فی تاریخ المدينة الشریفة*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص ۴۷۸.

۱ آدام متز (۱۳۶۲ش)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاتوی قراقرلو، ج ۱، تهران: انتشارات

امیر کبیر، ص ۲۴.

آنان را به سوی قدرت‌های برتر منطقه سوق می‌داد. زیرا شرفا امکان ایستادگی در مقابل قدرت‌های مجاور را نداشتند. گزارش‌های موجود حاکی از آن است که امیران حرمین در پی لشکرکشی‌های قدرت‌های مجاور همواره تسلیم خواسته‌های آنان می‌شدند یکی از مهم‌ترین این خواسته‌ها، خواندن خطبه به نام ایشان در حرمین بود<sup>۱</sup> که می‌توانست برای این قدرت‌ها مشروعیت را به ارمغان آورد. دوم آنکه تأمین نیازمندی‌ها و بهره‌مندی از کمک قدرت‌های مجاور، به جهت وابستگی شدید مالی به خارج از حرمین و قوام حکومت شان به کمک‌های دولت‌های دیگر بود. با توجه به حاصل خیز نبودن حجاز، تنها در آمد فرمانروایان حجاز در این مقطع زمانی، دریافت مالیات ویژه حجاج به نام مکوس<sup>۲</sup> و نیز هدایای دولت‌ها و صاحب منصبان بود. از این رو هر دولتی که به تعهدات مالی خود به شرفا عمل می‌کرد، از حمایت‌های معنوی شرفا و هم‌سویی آنان با سیاست‌هایشان بهره‌مند می‌شد. البته گاهی نیز تهدید به قطع کمک‌های مالی موجب می‌شد، شرفا که در کوتاه مدت جایگزین مناسبی برای پرکردن این خلأ نمی‌یافتند به ناچار با قدرت تهدید کننده کنار می‌آمدند. چنانکه در سال ۴۵۸ق. خلیفه فاطمی در اعتراض به شریف مکه به دلیل خطبه خواندن به نام عباسیان، بار آذوقه‌ای را که هر ساله به مکه می‌فرستاد قطع کرد. این واکنش فاطمیان شریف مکه را واداشت تا خطبه خواندن به نام فاطمیان را از سر گیرد. در سال ۴۵۹ قمری این خلیفه عباسی بود که با فرستادن اموالی برای شریف او را به سبب قطع خطبه به نام خود سرزنش کرد و ابوهاشم به نام خلیفه عباسی خطبه خواند و از فاطمیان برای این کار عذر خواهی کرد،<sup>۳</sup> البته پس از قطع آذوقه ارسالی فاطمیان، مردم مکه به امیر فشار آوردند و او به ناچار بار دیگر به نام خلیفه فاطمی خطبه برقرار کرد.<sup>۴</sup>

درباره سیاست خارجی شرفای مکه این نکته را باید در نظر داشت که علاوه بر کمک‌های مالی فاطمیان به شرفا، عوامل دیگری نیز در تعیین سیاست خارجی آنان تأثیر گذار بود. به طور کلی به دلیل سابقه نفوذ فاطمیان در حجاز و تمایل شرفای مکه به آنان و

۱ نجم‌الدین عمر بن فهد (۱۴۰۴ق)، *اتحاف الوری باخبار ام‌القری*، تحقیق محمدفهم شلتوت، ج ۲، مکه: ام‌القری، ص ۴۸۵.

۲ فاسی، همان، ج ۲، ص ۲۷۸.

۳ عبدالرحمن ابن‌خلدون (۱۴۰۸ق)، *العبر*، به کوشش خلیل شحاده، ج ۴، بیروت: دارالفکر، صص ۱۳۳-۱۳۴؛ ابن‌فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، صص ۴۷۰-۴۷۲.

۱ ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، ج ۱۲، بیروت: دارالفکر، صص ۴۹۰-۴۹۹؛ ابن‌خلدون، همان، ج ۴، صص ۱۳۰، ۱۳۳-۱۳۴.

قربانیت مذهبی بایکدیگر، آنان تمایل بیشتری برای اطاعت از فاطمیان و خطبه خواندن به نام آنان داشتند تا سلجوقیان و عباسیان. مؤید آن می‌تواند گزارشی باشد که از اختلافات شیعیان و اهل سنت مکه و شکایت شیعیان از عالمی سنی به امیر آن شهر محمد بن جعفر و دستور قتل وی در سال ۴۷۲ق. حکایت دارد. برخی چنین وقایعی را به تأثیر اختلافات سیاسی بر سر نفوذ عباسیان یا فاطمیان بر مکه تفسیر کرده و علت آن را علاقه‌مندی شیعیان به حکومت فاطمیان در برابر علاقه‌مندی سنیان این شهر به حکومت عباسیان دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

بنا بر تصریح برخی منابع، شرفای حسنی، مذهب زیدی داشتند. گفتن «حی علی خیر العمل» در اذان و منع آن در زمان تسلط ایوبیان و دولت‌های بعدی، گرایش‌های شیعی آنان را تأیید می‌کند. بنا بر گزارش ابن جبیر، مسجد الحرام در زمان ایوبیان پنج نماز جماعت داشت که یکی از آن‌ها به امامت شیعه زیدی برگزار می‌شد که مذهب شرفا بود.<sup>۲</sup> ابن تغری بردی از این که در میان شرفا، شریف عجلان در سده هشتم هجری مذهب اهل سنت (گویا شافعی) داشت، شگفت‌زده شده است و تصریح می‌کند که آنان آشکارا بر مذهب زیدی پایبند هستند.<sup>۳</sup> برخی منابع دیگر نیز بر زیدی مذهب بودن شرفای حسنی تأکید دارند.<sup>۴</sup> شرفای حسینی مدینه نیز امامی مذهب بودند.<sup>۵</sup>

### سیاست خارجی فاطمیان و حفظ مناسبات با شرفا

گسترش نفوذ سیاسی فاطمیان بر حرمین از آن جا آغاز شد که آنان با پیشروی در مصر و چیرگی بر آن و شامات و برانداختن حکومت آل‌اخشید در مصر به عنوان رقیب دستگاه خلافت عباسی مطرح شدند. به دنبال آن فاطمیان به گسترش نفوذ سیاسی در مکه و مدینه به عنوان راهبرد اصلی خود پرداختند. تأثیر فاطمیان در حرمین، بیش از عباسیان بود و آنان حدوداً

۱ ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن جوزی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، ج ۱۶، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۲۰۹؛ ابن‌فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، ص ۴۸۰.

۲ محمد بن احمد بن جبیر (۱۳۷۰ش)، *سفرنامه ابن جبیر*، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۳۸؛ شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۴۴، بیروت: دارصادر، کتاب العربی، ص ۳۶۰؛ رسول جعفریان (۱۳۸۷ش)، *اطلس شیعه*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، صص ۴۱۶-۴۱۷.

۳ یوسف ابن تغری بردی (۱۳۹۲ق)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، به کوشش شلتوت و دیگران، ج ۱۱، قاهره: وزارة الثقافة و الإرشاد القومي، ص ۱۳۹.

۴ ذهبی، همان، ج ۴۴، ص ۳۶۰؛ ابن‌خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۶.

۵ عبدالرحمن مدیرس (۱۴۲۲)، *المدینه المنوره فی العصر المملوکی*، ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه، صص ۱۸۸-۲۰۰.

دو سده صاحب نفوذ در مکه بودند. خواننده شدن خطبه در مکه مکرمه در بسیاری از سالها به نام خلفای فاطمی در طی این مدت مؤید آن است.<sup>۱</sup> هرچند شرفا تلاش داشتند تا با هر دو کانون قدرت عباسیان و فاطمیان ارتباط داشته باشند، اما بیش تر نگاهشان به خلافت فاطمیان بود.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد دیپلماسی کارآمد فاطمیان مصر و صرف هزینه بیشتر در مکه، موجب شده بود تا امارت این شهر تحت نفوذ آنها قرار گیرد.<sup>۳</sup> البته نمی‌توان قرابت مذهبی و نسبی آن دو را نیز در این روابط نادیده انگاشت. در این مدت به رغم تلاش آل‌بویه و دستگاه خلافت برای تسلط بر حرمین، رقیب سرسخت آنان یعنی فاطمیان مصر موفق‌تر بودند.<sup>۴</sup>

سباعتی از تأثیر فاطمیان بر نظام اداری شرفای مکه و آداب و رسوم عمومی سخن گفته و یاد آوری کرده است که امیر مکه به هنگام نام بردن از خلیفه فاطمی در خطبه همانند آن چه در مصر انجام می‌شد، از جای بر می‌خاست و این از دستورات الحاکم فاطمی بود که در حرمین انجام می‌شد. برگزاری اعیاد و جشن‌ها مانند تولد پیامبر، تولد خدیجه(س)، امام علی، مراسم روز عاشورا از طریق فاطمیان در مکه رواج یافت.<sup>۵</sup> به اعتقاد این نویسنده «از نخستین کارهای فاطمیان در مکه، گذاشتن لقب «اشراف» بر حاکمان حسنی مکه و دادن لقب «سادات» به عموزادگان آنان بود».<sup>۶</sup>

### دلایل روابط سیاسی شرفا و فاطمیان:

مناسبات سیاسی و روابط دولت‌ها همواره تابع شرایط و عوامل مختلفی است که می‌تواند به گسترش و یا کاهش روابط بیانجامد. این دلایل و زمینه‌ها اعم از داخلی یا خارجی در شکل‌گیری روند سمت و سوی روابط و یا تداوم و گسست آن بسیار مهم به شمار می‌آیند. بر این اساس، دلایل روابط شرفا با فاطمیان را می‌توان در موارد ذیل جستجو نمود:

### بی‌اعتبار ساختن مشروعیت عباسیان

فاطمیان در شکل‌گیری امارت شرفا تأثیر گذار بودند. آنان قصد داشتند از طریق سیادت بر

۱ تقی‌الدین محمد بن احمد فاسی (۱۴۱۹ق)، *العقد الثمین فی تاریخ بلد الامین*، تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۴۴۱؛ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، ص ۴۷۲-۴۷۳؛ عارف احمد عبدالغنی (۱۴۱۳ق)، *تاریخ امراء مکه المکرمة*، دمشق: دار البشائر، ص ۴۳۰.

۲ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۶.

۳ ساسان طهماسبی (پاییز ۱۳۸۴ش)، "مکه آوردگاه رقابت امرای ایرانی و مصری (از قرن سوم تا ششم هجری)"، *تاریخ پژوهان*، ش ۳، ص ۱، ص ۱۰۳.

۴ الخرابشه، همان، ص ۱۴.

۵ احمد سباعتی (۱۳۸۵ش)، *تاریخ مکه از آغاز تا شرفای مکه*، ترجمه رسول جعفریان، تهران: مشعر، ص ۲۷۳.

۶ سباعتی، همان، ص ۲۷۴.



حرمین و کسب مشروعیت مذهبی، اهداف خود را که عقب راندن و در انزوا قرار دادن عباسیان و بالطبع وارد ساختن ضربه به اعتبار این دولت و حتی نابودی آن بود، تحقق بخشند. نفوذ فاطمیان در حرمین و همسو ساختن شرفا با سیاست‌های خود، بهترین گزینه برای بی‌اعتبار ساختن مشروعیت عباسیان و دولت‌های حامی آنان بود و می‌توانست فاطمیان را در رسیدن به اهدافشان کمک نماید؛ زیرا خوانده شدن خطبه به نام خلفای فاطمی و حذف نام عباسیان از خطبه و نیز ایجاد بستر مناسب برای انجام اقدامات عام‌المنفعه در حرمین و خدمت به حجاج و زایران موجب کسب اعتبار، محبوبیت و مشروعیت برای حکومت آنان می‌شد.

برای فاطمیان، حج و سیادت بر حرمین از موارد استراتژیک در سیاست خارجی، به ویژه برای تقابل با خلافت عباسی بود. مهم‌ترین جلوه این تقابل، رقابت تنگاتنگ آنان با آل‌بویه و بعدها سلاجقه (نمایندگان عباسیان در اداره حرمین) در امر خطبه‌خوانی موسم حج بود که به تناوب، میان آنان دست به دست می‌شد. چنانکه در سال‌های ۴۵۹ق به نام خلیفه عباسی و در کنار ایشان به نام آل‌ب ارسلان و در سال ۴۶۳ق به نام ملک‌شاه و سال‌های بسیاری در زمان سلجوقیان به نام فاطمیان خوانده شد.<sup>۱</sup> خطبه خواندن به نام آن‌ها در حرمین شریفین به عنوان مهم‌ترین مظهر سیادت دینی و سیاسی آن‌ها به شمار می‌رفت و موجب معرفی یکی از آن دو قدرت به عنوان رهبر دینی و سیاسی می‌شد. بنابر این برقراری روابط با شرفا و جلب دوستی آنان سرلوحه کار فاطمیان بود. از این رو مهم‌ترین عامل خارجی مؤثر در روابط فاطمیان با شرفا را می‌توان عباسیان و دولت‌های حامی آنان، نخست دولت آل‌بویه و پس از آن‌ها سلجوقیان دانست. زیرا این دو دولت نقش سترگی در توسعه و یا کاهش روابط سیاسی امارت شرفا با فاطمیان داشتند. آن‌ها بزرگ‌ترین تهدیدکننده فاطمیان محسوب می‌شدند. چرا که فاطمیان آشکارا سیادت خلفای عباسی را بر تمام عالم منکر شدند و به آن‌ها به عنوان غاصبین خلافت از دست رفته شیعیان می‌نگریستند.<sup>۱</sup>

شاید منع از حج‌گزاری عراقیان توسط فاطمیان و شرفا در راستای بی‌اعتبار کردن عباسیان صورت می‌گرفت چنان که امیر مکه، شریف شکر که برای فاطمیان خطبه می‌خواند و با عباسیان میانه‌ای نداشت، عراقی‌ها را از حج‌گزاری منع می‌کرد.<sup>۲</sup> در سال ۳۹۶ق. القادر عباسی

۱ احمد الفلقشندی (۱۹۸۱م)، صبح الاعمشی، به کوشش زکار، ۴ج، دمشق: وزارة الثقافة، صص ۲۷۰-۲۷۱؛ جعفریان، همان، ص ۲۶.

۱ محمد سهیل طقوش [بی‌تا]، تاریخ الفاطمیین فی شمال افریقیه و مصر و بلاد الشام، قاهره: دارالنفائس، ص ۲۵۲.

۲ فاسی، همان، ج ۲، ص ۲۵۶.

طی نامه‌ای از شریف ابوالفتوح خواست تا اجازه دهد مردم عراق جهت زیارت خانه خدا عازم مکه شوند. وی با این شرط که خطبه به نام الحاکم (خلیفه فاطمی) خوانده شود با اعزام حجاج عراق موافقت کرد. در سال ۵۱۴ق. نیز افضل بن جیوش وزیر خلیفه فاطمی مانع حج گزاری اهل عراق شد. البته منع از حج به خاطر مشکل شورشیان بادیه‌نشین هم بود. این وضعیت در زمان قبل نیز وجود داشت.<sup>۱</sup>

الحاکم بأمرا لله (حک: ۳۷۵-۴۱۱ق.) ششمین خلیفه فاطمی، پس از غلبه بر آشفتگی‌های داخلی و دفع حمله امپراتوری روم و تسلط بر اوضاع.<sup>۲</sup> در امور مکه و مدینه دخالتی مستقیم کرد و حسن بن جعفر بن محمد بن حسین معروف به ابوالفتوح حسنی را در سال ۳۸۴ق به امارت مکه و در سال ۳۹۰ به امارت مدینه منصوب کرد. مدت امارت او بر این شهر چهل و شش سال طول کشید.<sup>۳</sup>

ابوالفتوح میانه سال‌های ۳۸۴ تا ۳۹۰ق. افزون بر امارت مکه، بر مدینه نیز چیره شد. به نوشته مقریزی: در همین سال بود که او به دستور الحاکم فاطمی، خانه امام جعفر صادق (ع) را در مدینه گشود و برخی اثاثیه آن را که شامل نسخه‌ای از قرآن، شمشیر، جامه و تخت چوبین و بوریایی بود و تا آن زمان بر جای بود برای حاکم فرستاد.<sup>۴</sup>

از دیگر دلایل برقراری روابط فاطمیان با شرفا، خواست امیران اشراف در تأکید بر قرابت نسبی و تقویت قرابت مذهبی با یکدیگر بود؛ زیرا شرفای حسنی با برخورداری از مذهب زیدی<sup>۱</sup> و شرفای حسینی مدینه با دارا بودن مذهب امامی<sup>۲</sup> می‌توانستند در برابر مشروعیت عباسیان تاب مقاومت آوردند و بر سیادت مذهبی آنان فائق آمده و عباسیان را از عرصه رقابت خارج کنند. شرفا به دلیل، متمایل به سیاست‌های دولت فاطمیان بودند. مؤید این ادعا سخن برخی شرفا است که می‌گفتند ما پسر عموهای خود را وانمی‌گذاریم.<sup>۳</sup>

۱ سباعی، همان، ص ۲۵۵.

۲ فاسی (۱۹۵۶م)، همان، ج ۲، ص ۱۷۸؛ زینی دحلان، همان، ص ۱۱۸؛ سباعی، همان، ص ۱۹۸.

۳ ابن جوزی (۴۱۲ق)، همان، صص ۵۳-۵۴؛ ابوالحسن علی بن ابی‌الکرام ابن اثیر (۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۹، بیروت: دارصادر، صص ۱۱۸-۱۱۹؛ ابن خلدون (۱۴۰۸ق)، همان، ج ۴، صص ۷۱-۷۲؛ ابن کثیر، همان، ج ۱۱، صص ۳۵۲.

۴ احمد بن علی مقریزی (۴۱۶ق)، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، به کوشش الشیال، ج ۲، مصر: وزارة الاوقاف، صص ۱۱۸-۱۱۹.

۱ ابن جبیر، همان، ص ۱۳۸؛ ذهبی، همان، ج ۴۴، ص ۳۶۰؛ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۶.

۲ مدیرس، همان، صص ۱۸۸-۲۰۰.

۳ الخرابشه، همان، ص ۵۷.

### اقدامات فاطمیان در سیادت بر حرمین

سیادت بر حرمین برای فاطمیان از اهمیتی بیشینه برخوردار بود. نیاز فاطمیان به مشروعیت سیاسی و قرابت مذهبی آنان با شرفا بر راهبردهای فاطمیان در اعمال نفوذ در حرمین بسیار مؤثر بود. از این رو آنان برای گسترش سیادت خود بر حرمین از روش‌های مختلفی سود جستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

**انتخاب امیر الحاج از میان نظامیان:** فاطمیان بیشتر امیران حج را به این دلیل، از میان نظامیان انتخاب می‌کردند تا بتوانند آوردن نام آنان در خطبه‌های حرمین را تضمین نمایند. این در حالی بود که رقبای آنان، آل‌بویه و پس از آنان سلجوقیان برای مدتی، امیر الحاج را از میان علویان برمی‌گزیدند.<sup>۱</sup> ابواحمد موسوی (پدر شریف رضی و شریف مرتضی) از جمله امیر الحاج‌های علوی است.<sup>۲</sup> شاید این کار برای هماهنگی و درگیری کم‌تر میان فاطمیان و امیران حج عباسی بوده است.

بنا به گزارشی در سال ۳۶۳ق. المعز فاطمی با تحریک و همکاری بنوهلال و برخی قبایل دیگر و با مسدود کردن راه کاروان حجاج عراق، موفق شد نامش را در مکه جایگزین نام خلیفه عباسی نماید.<sup>۳</sup> از این زمان جز در برخی سال‌ها مانند سال ۳۶۷ق. که به نام خلیفه عباسی خطبه خوانده شد،<sup>۴</sup> این نام خلیفه فاطمی بود که در خطبه‌های مکه آورده می‌شد.<sup>۵</sup> عزیز فاطمی نیز بادیس بن زیری صنهاجی امیر محمل مصری را فرستاد و او مکه را محاصره کرد و مجدداً خطبه به نام آنان خوانده شد.<sup>۱</sup>

**اقدامات اقتصادی و اعطای کمک‌های مالی به شرفا:** خلفای فاطمی به رغم دارا بودن توان نظامی از سیاست کمک‌های اقتصادی و رفاهی برای حجاج و اهدای پول به خاندان‌های با نفوذ مکه بهره می‌گرفتند.<sup>۲</sup> فاطمیان به شرفای مکه هر ماه ۳۰۰۰ دینار و اسب و خلعت

۱ ابن جوزی (۱۴۱۲ق)، همان، ج ۸، ص ۲۳۶؛ فاسی (۱۹۵۶م)، همان، ج ۲، ص ۲۲۶؛ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، ج ۲، صص ۴۷۰-۴۷۶؛ الخرابشه (۱۳۸۵ش)، همان، ص ۹۶.

۲ محمد بن علی بن العمرانی (۴۱۹ق)، *الانباء فی تاریخ الخلفاء*، به کوشش سامرائی، قاهره: دار الآفاق العربیه، ص ۱۸۳.

۳ ابن کثیر، همان، ج ۱۱، ص ۲۷۷؛ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، صص ۴۱۰، ۴۳۱.

۴ ابن فهد، همان، ج ۲، ص ۴۱۶؛ ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، همان، ج ۴، ص ۱۳۰.

۵ ابن فهد، همان، ج ۲، صص ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۵؛ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۳۰؛ عبدالملک بن حسین العصامی المکی (۱۴۱۹)، *سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل و النوالی*، به کوشش عادل احمد و معوض، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۲۱۱.

۱ ابن خلدون (۱۴۰۸ق)، همان، ج ۴، ص ۱۰۰.

۲ رقیه میرابوالقاسمی و دیگران (۱۳۸۹ش)، *در باره حج*، تهران: نشر کتاب مرجع، ص ۲۶.

ارسال می کردند<sup>۱</sup> فاطمیان می دانستند که وضع حجاز و ضعف بنیه مالی دولت شرفا اقتضای آن دارد که کمک های مالی فراوانی به آنها اعطا شود. از این رو فاطمیان از همان آغاز هزینه های گزافی را متقبل شدند.<sup>۲</sup> تثبیت حکومت سلجوقیان در عراق و ایران به عنوان منجی دستگاه خلافت عباسی، نیز سبب گردید تا فاطمیان با حساسیت بیشتری بر حرمین اعمال نفوذ کنند؛<sup>۳</sup> زیرا ارسال کمک های مالی، نقش بارزی در تداوم سیادت فاطمیان بر حجاز ایفا می کرد. بدین وسیله، فاطمیان در مکه استیلای کامل داشته و خطبه به نام آنها خوانده می شد. این روند تا روی کار آمدن سلجوقیان (۴۴۷-۵۹۰ق) به جز چند سال متناوب که برای آل بویه و عباسیان خطبه خوانده شد ادامه داشت.<sup>۴</sup>

سیاست فاطمیان در ارسال اموال و هدایا به حجاز هنگامی بسیار مؤثر بود که رقبای آنان در ارسال کمک های مالی تعلل می کردند؛ چنان که در سال ۴۶۷ق. شریف مکه ابوهاشم با قطع مبالغی که هر ساله از طرف خلیفه عباسی برای او ارسال می شد، مواجه گشت. بدین ترتیب امیر مکه بار دیگر برای فاطمیان خطبه خواند.<sup>۵</sup> پس از آن که فاطمیان هدایایی برای امیر مکه ابوهاشم فرستاده و وانمود کردند که تعهد در مقابل خلیفه عباسی و سلطان سلجوقی بوده و هر دو در گذشته اند، امیر مکه متقاعد شد تا برای فاطمیان خطبه بخواند. گویا در این تصمیم مشاوران ابوهاشم نیز نقش داشتند؛ زیرا آنها به وی گفتند که با توجه به از سرگیری مجدد کمک های فاطمیان، ما عموزادگان خود را با دیگری عوض نمی کنیم.<sup>۱</sup>

نفوذ فاطمیان در حجاز با شرایط وخیم اقتصادی در مصر به دلیل وقوع قحطی های مداوم.<sup>۲</sup> به چالش کشیده شد و نفوذ رقبای سلجوقی آنان را تسهیل کرد. افزون بر آن که در پی ضعف فاطمیان به دلیل مقابله با حملات صلیبیون و بحران داخلی دستگاه خلافت فاطمی از یک طرف، و تثبیت حکومت سلجوقیان در عراق و ایران به عنوان منجی دستگاه خلافت عباسی از سوی دیگر، سبب گردید تا فاطمیان نفوذ کمتری بر حرمین داشته باشند.<sup>۳</sup> این امر

۱ ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۸۱ش)، سفرنامه ناصر خسرو، تهران: زوآر، ص ۱۰۵.

۲ سلیمان عبد الغنی مالکی، همان، ص ۱۰.

۳ الخراشبه، همان، ص ۹۰.

۴ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، صص ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۵؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۳۰؛ العصامی المکی، همان، ج ۴، ص ۲۱۱.

۵ ابن اثیر (۱۳۸۵ق)، همان، ج ۱۰، ص ۹۷؛ ابن جوزی (۱۴۱۲ق)، همان، ج ۱۶، ص ۱۶۷.

۱ الخراشبه، همان، ص ۲۵.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۴۶۲؛ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۱، ص ۵۱۰.

۳ الخراشبه، همان، ص ۹۰.

موجب ناامیدی امرای مکه از کمک‌های مصر شد و آنان را به دوستی بیشتر با خلفای عباسی و سلاطین مقتدر سلجوقی که در اوج قدرت بودند تشویق کرد؛ زیرا آن‌ها نیز همانند فاطمیان، از ابزار مالی استفاده کردند چنان که آلبارسلان و ملک‌شاه سلجوقی با وجود توان نظامی از سیاست کمک‌های رفاهی برای حجاج و اهدای پول به خاندان‌های با نفوذ مکه بهره گرفتند.<sup>۱</sup> در پرتو این جریان، شرفای مکه به نفع قدرت برتر، تغییر سیاست داد و به نام خلیفه عباسی و آلبارسلان خطبه خوانده شد.<sup>۲</sup> البته شریف مکه محمدبن جعفر با توجه به تجربه گذشته نامه‌ای به خلیفه فاطمی نوشت و از او عذر خواست که با توجه به مشکلات اقتصادی به نام عباسیان خطبه خوانده است.<sup>۳</sup>

فاطمیان با استفاده از ابزار مالی پس از آن که چند سالی خطبه خواندن به نام آنان در مکه قطع گردید. برای بازگرداندن اوضاع به حالت قبل در سال ۴۶۶ ق. افرادی را همراه هدایایی نزد امیر مکه فرستادند که مأموریت آنان قرین موفقیت نبود. بسا عباسیان که از قضیه آگاه شده بودند به همراه امیر الحاج کاروان عراق که سلار نام داشت قبل از فاطمیان اموال فراوانی به امیر مکه ابوهاشم بخشیده بودند.<sup>۴</sup> هم‌چنین از حجاج اموالی جمع کرده و به او دادند. در نتیجه فاطمیان از اقدام خود طرفی نیستند. بنا به نوشته ابن جوزی: «چندان برای وی مال فرستادند که چشم و دل او را پر کرد».<sup>۱</sup>

در زمره اقدامات پیش‌گیرانه فاطمیان برای سیادت بر حرمین می‌توان به قطع آذوقه به حرمین اشاره کرد؛ هرگاه خواندن خطبه در مکه به نام خلیفه فاطمی قطع می‌شد، فاطمیان در اقداماتی تلافی‌جویانه مبادرت به قطع کمک‌های مالی به ویژه قطع ارسال آذوقه به حرمین می‌کردند. مطابق گزارش منابع، اقدام فاطمیان در سال ۴۵۹ ق در پی ناکامی امیرصلیحی یمن که مأمور شده بود تا امور مکه را سامان داده و خطبه را به نام فاطمیان برگرداند، دولت فاطمی ارسال آذوقه را از مصر به مکه قطع کرد. قحطی و مشکلات اقتصادی مردم مکه را واداشت تا به حکمران فشار آورده و او را ناگزیر به آوردن نام خلیفه فاطمی

۱ ابن‌اثیر(۱۳۸۵ق.)، همان، ج ۱۰، ص ۶۱؛ ابن‌کنیر، همان، ج ۱۲، ص ۲۲؛ ابن‌فهد(۱۴۰۴ ق.)، همان، ج ۲، ص ۴۷۲؛ میرابوالقاسمی، همان، ص ۲۶.

۲ ابن‌اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۱؛ ابن‌فهد(۱۴۰۴ق.)، همان، ج ۲، صص ۴۷۲-۴۷۳.

۳ الفلقشندی، همان، ص ۲۷۰.

۴ فاسی(۱۴۱۹ق.)، همان، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ابن‌فهد، همان، ج ۲، ص ۴۷۵.

۱ ابوالفرج‌عبدالرحمن‌بن‌علی‌ابن‌جوزی(۱۹۹۰م)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، بغداد: جنان جلیل محمد هموندی، صص ۱۷۰-۱۷۱.

در خطبه کردند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، فاطمیان با توسل به ابزار اقتصادی توانستند تا سال ۴۶۲ ق. با قدرت کامل بر مکه تسلط یابند.

البته گزارش‌های دیگری نیز مبتنی بر از سرگیری خطبه به نام فاطمیان وجود دارد که منشاء اقتصادی ندارد؛ لیکن می‌توانسته به نوع روابط مذهبی فاطمیان و همسویی نسبی متکی باشد. چنانکه آورده‌اند شرفای حسنی، امیر مکه را به سبب اعراض از فاطمیان نکوهش کردند<sup>۲</sup> و بدین‌گونه، پس از چهار سال خطبه به نام عباسیان و سلجوقیان قطع شد و آوردن نام خلیفه فاطمی بر منابر حجاز از سر گرفته شد.<sup>۳</sup>

فاطمیان در کنار کمک‌های مالی به شرفا، اقدامات عمرانی و رفاهی نیز در حرمین داشتند. چنانکه منابع آورده‌اند؛ ابن‌ابی‌الهیچاء از صاحب منصبان دستگاه خلافت فاطمی در زمره کسانی است که سال‌های پایانی عمرش را در مدینه سپری کرد.<sup>۴</sup> او افزون بر بخشش اموال به مردم مدینه،<sup>۵</sup> خدمات زیادی برای اماکن مقدس این شهر داشت. پرده‌کشی بر دیوارهای حرم نبوی و پوشاندن مرقد پیامبر اکرم (ص) با پرده‌های ابریشمی،<sup>۶</sup> تجدید بنای مرقد اسماعیل بن جعفر صادق (ع)<sup>۱</sup> وقف باغی برای آن،<sup>۲</sup> بازسازی مسجد فتح (خندق)، مسجد علی بن ابی‌طالب و سلمان فارسی،<sup>۳</sup> آب‌رسانی به صحن مسجد نبوی از اقدامات اوست.<sup>۴</sup> طبق گزارشی، الحاکم در سفر به حج در ۳۹۷ ق کعبه را با جامه دیباج سفید پوشاند و اموالی را میان اهل حرم توزیع کرد.<sup>۵</sup>

دیگر اقدام فاطمیان در حجاز، انتخاب نایب و جانشین قدرت در مکه بود که می‌توانست

- 
- ۱ ابن‌خلدون، همان، ج ۴، صص ۱۳۲-۱۳۳.
  - ۲ القلقشندی، همان، ج ۴، صص ۲۷۰-۲۷۱.
  - ۳ ابن‌فهد (۱۴۰۴ ق)، همان، ج ۲، ص ۴۷۷؛ ذهبی، همان، ج ۳۱، ص ۲۹.
  - ۴ احمد بن علی مقریزی (۱۴۱۸ ق)، *المواعظ والإعتبار فی ذکر الخطط والآثار*، به کوشش خلیل المنصور، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه، صص ۸۶-۸۷؛ مقریزی، *اتعاظ الحنفاء*، ج ۲، صص ۲۸۷-۲۹۰؛ القشندی (۱۹۸۱ م)، همان، ج ۴، ص ۳۰۷؛ سمهودی (۲۰۰۶ م)، *وفاء الوفاء*، به کوشش محمد عبدالحمید، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۱۳۸.
  - ۵ مقریزی (۱۴۱۸ ق)، همان، ج ۳، ص ۸۷.
  - ۶ سمهودی، همان، ج ۲، ص ۱۳۸؛ القلقشندی همان، ج ۴، ص ۳۰۷.
  - ۱ سمهودی، همان، ج ۳، ص ۱۰۳؛ تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۳۰۳.
  - ۲ سمهودی، همان، ج ۳، ص ۱۰۳؛ تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۳۰۴.
  - ۳ سمهودی، همان، ج ۳، ص ۴۳.
  - ۴ سمهودی، همان، ج ۲، ص ۲۰۷؛ سخاوی، همان، ج ۱، ص ۵۱۶.
  - ۵ ابن‌تفری بردی، همان، ج ۴، ص ۲۱۸؛ علی بن تاج‌الدین سنجاری (۱۴۱۹ ق)، *مناجیح الکریم فی اخبار مکه و البیت و ولایة الحرم*، ج ۲، مکه: جامعه ام‌القری، ص ۲۲۱.

بر سیادت آنان بر حجاز بیافزاید. فاطمیان در حدود سال ۳۸۰ق و در امارت شریف عیسی بن جعفر بر آن شدند تا نایی از سوی خود در مکه بگمارند تا هم مراقب استمرار خطبه و دعا برای فاطمیان باشد و هم بر تداوم اقتدار آنان در حجاز بیفزاید. از این رو سپاه عظیمی فرستادند. اما عیسی به دفاع از مکه پرداخت و اجازه ورود به آنان نداد و بدین ترتیب محاصره طولانی شد، به نظر می‌رسد برای عیسی پذیرش این دشواری راحت‌تر از دعا برای فاطمیان بود. در سال ۴۹۲ق. درگیری‌های متعدد حاکمان مصر و فقدان امنیت موجب تعطیلی حج گردید.<sup>۱</sup>

تأمین امنیت مسیر حج هم اقدام دیگری بود که می‌توانست به سیادت بیشینه فاطمیان در حجاز منجر شود. مسیر حج عموماً از طریق مصر و شام امکان پذیر بوده است. این مسیر کاروان‌رو تحت سیطره خلفای فاطمی و یا دست نشاندهگان آن‌ها قرار داشت و امنیت آن منوط بر اشراف فاطمیان بود. حتی کاروان‌هایی که سلطان محمود غزنوی از خراسان به حجاز اعزام می‌کرد، از همین مسیر می‌گذشتند. فاطمیان از حجاج پذیرایی و استقبال می‌کردند. آنان همچنین به رؤسای کاروان خلعت‌هایی اعطا می‌کردند تا ضمن تحسین حجاج و بتواند خشم خلفای عباسی را برمی‌انگیزاند.<sup>۲</sup> فاطمیان تقریباً به طور منظم کاروان‌های حجاج مصر و شام را به مکه اعزام می‌کردند. ضمن آن‌که راه‌های حج در حوزه قلمرو فاطمیان از امنیت و رفاه بهتری برخوردار بود.

در مقابل، رقبای فاطمیان نیز در برابر سیاست‌های آنان اقدامات بسیاری در حرمین انجام می‌دادند. انتقال آب به مکه از عرفات و بازسازی قنات زییده<sup>۱</sup> تأمین امنیت مسیر حج،<sup>۲</sup> تعمیرات اماکن و بازسازی بناهای حرمین. ساخت نخستین گنبد بر حرم امامان بقیع و قبر عباس بن عبدالمطلب توسط مجدالملک براوستانی.<sup>۳</sup> از آن جمله‌اند. جواد اصفهانی از دیگر ایرانیان تابع سیاست‌های سلجوقیان است که در دربار دولت زنگیان وزارت داشت و خدمات زیادی در حرمین انجام داد.<sup>۴</sup>

۱ ابن کثیر، همان، ج ۱۲ ذیل حوادث ۵۶۳ق.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱، صص ۳۳۳، ۳۴۰-۳۴۳.

۱ فاسی (۱۴۱۹ق)، همان، ج ۳، صص ۲۶۱-۲۶۲؛ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، صص ۴۷۵-۴۷۶.

۲ احمد بن محمد بن خلکان اَبی‌نا، *وفیات الاعیان و انباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، ج ۵، بیروت: دارالافتاء، ص ۲۸۵.

۳ ابن اثیر، همان، ج ۸، ص ۲۱۴؛ محسن الامین (۱۳۷۱ش)، *اعیان الشیعه*، به کوشش حسن الامین، ج ۳، بیروت: دار التعارف، ص ۲۹۹.

۴ ابن اثیر، همان، ج ۱۱، صص ۳۰۶-۳۰۸؛ فاسی (۱۴۱۹ق)، ج ۲، ص ۲۱۲؛ سمهودی، همان، ج ۳، صص ۹، ۱۵۵.

یکی دیگر از اقدامات فاطمیان در حجاز پس از اعلام خلافت ابوالفتوح حسنی در سال ۳۸۴ق به امارت مکه و در سال ۳۹۰ق به امارت مدینه، تحدید قدرت او و ادار کردن او در پذیرش نفوذ و سیادت فاطمیان بود. منابع متذکر شده‌اند که وی در سال ۳۸۴ق. با لقب ابوالفتوح به حکومت مکه تحت اشراف فاطمیان دست یافت.<sup>۱</sup> وی سعی کرد تا با گرد آوردن نیرو برای اعلام خلافت و کسب تدریجی حمایت قبایل بنی‌سُلیم و بنی‌عامر و یاری آل‌جراح، حاکمان رمله فلسطین در ۴۰۱ق. برادعای خلافت خود جامه عمل پوشاند. و پس از احراز این مقام به الراشد ملقب شد. او اموال کعبه را در اختیار گرفت و سکه‌هایی که به دینارهای فتحیه مشهور است ضرب کرد.<sup>۲</sup> ابوالفتوح با شمشیری که به گمانش ذوالفقار بوده و با در دست داشتن چوبدستی که ادعا می‌کرد چوبدستی رسول خداست به همراه هزار برده سیاه در مراسم اعلام خلافتش حضور یافت.<sup>۳</sup> این حاکم نورسیده در رمله فلسطین که مرکز بنی‌جراح بود، با احترام فراوان مردمان آن مواجه شد و آنان او را امیرالمؤمنین خواندند و سیادت معنوی‌اش را پذیرفتند.<sup>۴</sup>

اقدامات ابوالفتوح که معادلات سیاسی را به نفع عباسیان تغییر می‌داد بر الحاکم فاطمی گران آمد و او را واداشت تا در طول سفر ابوالفتوح به فلسطین، با جدا کردن آل‌جراح از متحد شریف مکه و نیز میدان دادن به رقبای ابوالفتوح در مکه (سلیمانین) وی را تحت فشار قرار دهد، امری که مؤثر واقع شد و ابوالفتوح را - که در رمله از تغییر رفتار آل‌جراح و تسخیر شدن مکه به دست عموزادگانش با خبر شده بود - وادار کرد تا با پس گرفتن عنوان خلافت و طلب عفو از الحاکم، حکومت مکه را باز پس گیرد و خود را بار دیگر کارگزار فاطمیان در مکه بنامد.<sup>۵</sup>

خلیفه فاطمی الحاکم در واکنش به این اقدام، ابتدا با پیشنهاد اعطای اقطاع به آل‌جراح سعی کرد آنان را از گرد ابوالفتوح دور کند، ولی چون از این طریق راه به جایی نبرد به رمله حمله کرد و آل‌جراح را متواری کرد. الحاکم پس از مرگ مفرج، امیر آل‌جراح، حسان پسر

۱ زینی دحلان، همان، ص ۱۶.

۲ عبدالغنی، همان، ص ۳۲۰.

۳ ابن جوزی، همان، ج ۱۴، ص ۳۵۷؛ ذهبی، همان، ج ۲۷، ص ۱۰؛ ابن کثیر، همان، ج ۱۱، ص ۳۵۴.

۴ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۷۳.

۱ ابوعلی مسکویه‌رازی (۱۳۷۹ش)، تجارب‌الأمم، تحقیق ابو القاسم امامی، ج ۷، تهران: سروش، ط الثانية، ص ۲۸۱؛

ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۳۱.

۲ ابن جوزی، همان، ج ۱۵، ص ۷۸؛ مسکویه‌رازی، همان، ج ۷، ص ۲۸۲.



او را نزد الحاکم فرستاده و ضمن دست کشیدن از خلافت، از او امان خواست و از سوی خلیفه فاطمی مورد عفو قرار گرفت.<sup>۱</sup>

طبق گزارش دیگری، هنگامی که ابو الفتوح در رمله بود خبر رسید که برخی شرفای آل سلیمان از فرصت غیبت او از مکه استفاده کرده و به کمک ابوالطیب داود بن عبدالرحمان بر مکه غلبه کرده‌اند. ابو الفتوح دانست که فتنه‌ها او را محاصره کرده و فاطمیان نه تنها به جذب یاران او اکتفا نکرده‌اند بلکه در مکه هم بر ضد وی شورش به راه انداخته‌اند لذا فکر کرد که یک شبه چندان مطرود و گشته است که نه جایی در شام دارد و نه در مکه، از این رو بلافاصله نزد مفرج پدر حسان که از سران مخالفان بود رفته و به او پناه برد و او قبول کرد که میان او و فاطمیان وساطت کند مشروط بر آن که ابو الفتوح عنوان خلافت را از خود بردارد.<sup>۲</sup> به هر روی ابو الفتوح دوباره حکومت مکه را دریافت کرد<sup>۳</sup> و در سال ۴۰۳ ق برای الحاکم فاطمی دعوت و حتی نام او را بر سکه‌ها حک کرد.<sup>۴</sup>

این مطلب مؤید آن است که فاطمیان در برخی مواقع که شرفا خطبه به نام آنان را قطع و به نام رقیب آنان خطبه می‌خواندند، با حمایت و تحریک رقبای داخلی شرفا سعی می‌کردند، سیادت مجدد خود بر حرمین را احیا کنند. چنان که شرفای سلیمانی را که رقیب هواشم بودند تحریک کردند. زیرا بعید به نظر می‌رسد دعا نکردن برای خود را در مکه بی‌اهمیت تلقی کرده باشند آن هم بعد از آن همه تلاش و هزینه. با اطاعت دوباره ابو الفتوح از فاطمیان، سیادت آنان بر حرمین برقرار شد. اما برخی حوادث موجب چالش در روابط بود. از رویدادهای مهم زمان امارت ابو الفتوح در مکه، آسیب دیدن حجرالاسود به دست یکی از مصریان بود. در روز جمعه یازدهم ذیحجه سال ۴۱۳ ق. پیش از این که حاجیان از منا به مکه بازگردند، مردی مصری در حالی که گریزی به دست داشت به سمت حجرالاسود آمد و در حال فریاد زدن، سه ضربه به آن وارد ساخت و سه سوراخ، هر یک به اندازه انگشت دست در حجرالاسود ایجاد کرد. وی هنگام فرار به دست مردم خشمگین افتاد و کشته شد.

۱ مقریزی، *تعاطف الحنفاء*، ج ۲، ص ۹۵؛ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۷۳؛ ابن اثیر، همان، ج ۹، صص ۱۲۱-۱۲۲؛ ذهبی، همان، ج ۲۸، صص ۱۳-۱۴؛ علی بن تاج الدین سنجاری، همان، ج ۲، صص ۲۱۸-۲۱۹؛ مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۳، ص ۲۷۸؛ سباعی (۱۳۸۵ ش)، ص ۱۹۹؛ سخاوی، همان، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲ سباعی، همان، ص ۲۵۳.

۳ سباعی، همان، ص ۱۹۹.

۴ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۴۷۳؛ مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۲، ص ۲۸۸.

جمعیت خشمگین به افراد مظنون به همدستی با او نیز حمله آوردند، در این میان بیش از ۲۰ نفر کشته شدند. برخی از همدستان دستگیر شده او ادعا کردند که گروهی ۱۰۰ نفره این توطئه را برنامه‌ریزی کرده بوده‌اند. از آنجا که این مرد را مصری معرفی کردند، حاجیان مصری (که به فاطمیان منتسب بودند) در آن سال مورد هجوم حجاج عراق قرار گرفتند.<sup>۱</sup>

در سال ۴۳۰ق. در پی رحلت حسن پسرش محمد شکر ملقب به تاج المعالی امیر شد و در ۴۵۳ق. درگذشت. شکر (۴۳۰-۴۵۳ق) به نام فاطمیان خطبه می‌خواند و با عباسیان میانه‌ای نداشت و حاجیان عراقی را منع می‌کرد.<sup>۲</sup> این روابط در واپسین سال‌های امارت آل‌جعفر باز به تیرگی گرایید زیرا خاندانی از شرفا (سلیمانین) که پس از درگذشت شکر بن ابوالفتح در مکه به دلیل نداشتن فرزند ذکور با امارت غلام او مواجه شده بودند، در سال ۴۵۳ق. حکومت مکه را در اختیار گرفتند و نام فاطمیان را از خطبه انداختند. امارت سلیمانین دیری نپایید، زیرا خاندان هوشم (فرزندان ابوهاشم محمد بن حسن) به سال ۴۵۴ق. به رهبری امیر محمد بن جعفر بن شکر بن ابوالفتح بر حکمران سلیمانیان چیرگی یافته و پس از غلبه بر مکه آنان را به یمن راندند. در پی آن محمد در نخستین قدم برای جلب نظر فاطمیان به نام خلیفه المستنصر خطبه خواند.<sup>۳</sup>

در کنار اقدامات داخلی برخی تصمیمات جانبی هم می‌توانست در ایجاد نفوذ فاطمیان بر حجاز مؤثر افتد برای نمونه، توسل فاطمیان به امیران یمنی که دست نشانده فاطمیان به شمار می‌آمدند به طور مقطعی در ایجاد سیادت بر حرمین مؤثر بود. طبق گزارش منابع فاطمیان پس از آن که ابوهاشم محمد امیر مکه، نام خلیفه فاطمی را از خطبه انداخت و به نام القائم بامرالله عباسی خطبه خواند،<sup>۱</sup> کمک‌های مالی خود را به حجاز قطع کردند و ابوهاشم هم ناچار به فروش قندیل‌های کعبه و دیگر زرو زیور آن شد. عباسیان که از طریق نامه ابوهاشم از قطع خطبه با خبر شده بودند ۳۰۰۰۰ دینار و خلعت‌های فاخر به امیر مکه ارسال کردند و وظیفه‌ای برای او مقرر داشتند.<sup>۲</sup> المستنصر فاطمی (حک: ۴۲۷-۴۸۷ق.) هم در پی این اقدام با توسل به علی بن محمد صلیحی، امیر اسماعیلی یمن به مکه لشکر کشید و امیر مکه را واداشت تا مجدداً

۱ ابن جوزی، همان، ج ۱۵، ص ۱۵۴؛ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۳۱.

۲ فاسی (۱۹۵۶م)، همان، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۳۲.

۱ ابن فهد، همان، ج ۲، ص ۴۷۰.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۲۱.

خطبه را به نام خلیفه فاطمی بخواند.<sup>۱</sup> پیش از این نیز در برهه‌ای که فاطمیان، به خاطر فتنه ترکان و بردگان<sup>۲</sup> به بحران داخلی دچار شده بودند و آن‌گونه که باید به امارت شرفا توجه جدی نداشتند. خطبه‌ای به نام فاطمیان خوانده نمی‌شد و در این مدت علی بن محمد صلیحی امیر حکومت گر اسماعیلی یمن خواستار دخالت در امور مکه شد اما المستنصر فاطمی در سال ۴۴۸ق او را از تعرض به امارت شریف شکر در آن شهر نهی کرد<sup>۳</sup> البته روابط حسنه صلیحی با شرفای مکه تا سال ۴۵۰ق ادامه یافت و موجب نامه پرسپاس خلیفه فاطمی از او شد. لیکن از این پس روابط شرفا با صلیحیان یمن تیره شد. با مرگ شریف شکر بن ابی‌الفتح امیر مکه و نگرانی خلیفه فاطمی به خاطر از دست دادن مکه به صلیحی نامه نوشت و او در سال ۴۵۵ق مکه را از دست فرزندان ابوالطیب گرفت و به محمد بن جعفر حسنی سپرد. رفتار پسندیده او با مردم مکه موجب اطاعت‌پذیری و دوام نفوذ فاطمیان بر آن جا شد.<sup>۴</sup>

در همین سال با بهبود اوضاع مصر، فاطمیان به حجاز توجه جدی نشان دادند. به دستور المستنصر خلیفه فاطمی برای جبران گذشته، هدایایی برای امیر مکه فرستاد و با وعده‌های دلپذیر او را واداشت تا بار دیگر به نام وی خطبه بخواند. ولی اندکی بعد دیگر بار نام وی از خطبه حذف شد. در سال ۴۷۰ق. نیز میان طرفداران سیادت فاطمیان و امیر حج و کاروان عراقی درگیری‌هایی روی داد و منبری که عراقیان با خود به مکه آورده بود و روی آن نام خلیفه عباسی حک شده بود به دستور امیر مکه شکسته شد. این واقعه نشان می‌دهد که امیر مکه در این سالها قصد کناره‌گیری از عباسیان و سلجوقیان را داشته و از جانشینی امیر مقتدر ترک به جای امیر غنائم علوی که از نظر مذهبی با او بیشتر انس داشت ناراضی بوده است.<sup>۱</sup>

روند خطبه خوانی به نام فاطمیان تا سال ۴۷۹ق. ادامه یافت تا این که در این سال ملکشاه سلجوقی همانند آل‌بارسلان در شام پیروزی‌هایی به دست آورد و قدرت خود را به فاطمیان و امیر مکه نشان داد. در پرتو این جریان، امیر مکه تغییر موضع داد و نام خلیفه فاطمی را از خطبه انداخت و به نام خلیفه عباسی خطبه خواند.<sup>۲</sup> مرگ ناگهانی ملکشاه و آشفتگی اوضاع

۱ ابن اثیر، همان، ج ۱۶، ص ۳۸۱؛ الخرابشه، همان، ص ۱۹.

۲ مقریزی، *اتعاظ الحنفاء*، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳ الزبلی، همان، ص ۶۴.

۴ العصامی المکی، همان، ج ۴، ص ۲۱۵.

۱ ابن جوزی، همان، ج ۱۶، ص ۱۹۰.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۱۵۸؛ احمد بن عبدالوهاب نویری (۱۴۲۳)، *نهاية الارب*، ج ۲۳، قاهره: دار الکتب و الوثائق، ص ۲۴۹.

پس از او باعث شد که با بیرون راندن سپاه وی از مکه، بار دیگر خطبه به نام فاطمیان خوانده شود.<sup>۱</sup>

پس از ابوهاشم (سال ۴۸۷ق) در دوره فرزندش قاسم میان فاطمیان و عباسیان نزاع بود. وی چند بار خطبه به نام عباسیان را قطع کرد.<sup>۲</sup> اختلاف او با عراق از همان سال شروع شد و علت آن نیز خطبه خواندن برای فاطمیان بود. سلجوقیان خیلی زود به این موضوع واکنش نشان دادند و سپاهی به فرماندهی اسپهبد بن ساوتکین به مکه فرستادند که امیر مکه را فراری داد. امیر مکه نیروهایی از قبایل عرب جمع آوری کرد و با جنگیدن با اسپهبد بر او پیروز شد و بار دیگر امیر مکه گردید.<sup>۳</sup> درباره دوران امارت فلیته پسر قاسم بن محمد (۵۱۸-۵۲۷) نیز گزارش دقیقی از این که او به نام چه کسی خطبه می خوانده در دست نیست تنها ابن خلدون اشاره کرده که او در تمام دوران امارت خود به نام عباسیان خطبه می خواند.<sup>۴</sup> درباره سیاست خارجی جانشین او هاشم بن فلیته (۵۲۷-۵۵۱) نیز نمی توان تصویر روشنی ترسیم کرد. گزارش هایی درباره رابطه خوب او با فاطمیان مانند فرستادن سفیری به مصر وجود دارد و حمله او به کاروان حج عراقی که در سال ۵۳۹ق شاهی بر اختلافات او با عراقیان است؛<sup>۱</sup> با این حال گزارش هایی درباره خطبه خواندن او به نام عباسیان نیز موجود است. از جمله نقل ابن خلدون است که به صراحت، خطبه خواندن به نام عباسیان را تا سال ۵۵۵ق دانسته است و این مصادف با بخشی از سال های حکومت جانشین وی بر مکه است.<sup>۲</sup> درباره قاسم بن هاشم (۵۵۱-۵۵۷) تقریباً همه منابع متفق اند که او با فاطمیان رابطه بهتری داشته و اختلاف او با عباسیان به درگیری میان شریف مکه با حاجیان عراقی در موسم حج سال ۵۵۶ق منجر شده است.<sup>۳</sup> وی عماره الیمنی (از داعیان فاطمی) را برای تقویت روابط با فاطمیان به مصر فرستاد.<sup>۴</sup>

این جریان هیچ گاه تا پایان حکومت فاطمیان جز برخی سال ها تغییر نیافت و در نهایت،

۱ القلقشندی، همان، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲ ابن خلدون، همان، ج ۴، صص ۱۰۴، ۱۰۵.

۳ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۲۳۹؛ ابن فهد، همان، ج ۲، ص ۴۸۷؛ فاسی (۱۴۱۹ق)، همان، ج ۳، ص ۲۰۱.

۴ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

۱ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۲۳۹؛ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، ص ۴۸۷؛ فاسی (۱۴۱۹ق)، همان، ج ۳، ص ۲۰۱.

۲ القلقشندی، همان، ج ۴، ص ۲۷۶.

۳ ابن اثیر، همان، ج ۱۱، ص ۲۷۹؛ ابن فهد (۱۴۰۴ق)، همان، ج ۲، ص ۲۳.

۴ فاسی (۱۹۵۶م)، همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

صلاح‌الدین ایوبی (حک: ۵۶۴-۵۸۹ق) به این استیلا پایان داد و با سرنگون کردن فاطمیان، یک بار دیگر به نام خلیفه عباسی کنار نام خود خطبه خواند.<sup>۱</sup>

**روابط فاطمیان و شرفای حسینی مدینه:** سادات حسینی مدینه همزمان با شرفای حسنی به نام فاطمیان خطبه می‌خواندند. محمد بن طاهر ملقب به مسلم، از امیران حسینی مدینه بود که به نام المعز فاطمی خطبه خواند و همراه وی به مصر رفت و مورد توجه خاص او بود؛ به گونه‌ای که المعز بر او نماز خواند.<sup>۲</sup> مطابق برخی گزارش‌ها به سال ۳۵۹ق. به طور رسمی، به نام خلیفه فاطمی در مدینه خطبه خوانده شد<sup>۳</sup> طاهر بن مسلم و پسرش حسن هر دو در خطبه‌ها نام فاطمیان را می‌آوردند.<sup>۴</sup> از این پس تا حدود سه دهه مناسبات شرفا با فاطمیان، حسنه بود.

تا این زمان به رغم همسویی امیران مکه با سلجوقیان، امیران حسینی مدینه، هم‌چنان به نام فاطمیان خطبه می‌خواندند. آلبارسلان برای همسو ساختن آنان با سیاست‌های خود، به امیر مدینه، شریف مهنا حسینی اعلام کرد که در صورت تن دادن به خواسته خلفای عباسی، بیست هزار دینار به او اعطا خواهد شد، افزون بر این که سالانه پنج هزار دینار به وی تعلق خواهد گرفت.<sup>۱</sup> گویا عدم تمکین امیر مدینه فرصت مناسبی برای امیر مکه شریف محمد بن جعفر فراهم آورد تا به منویات خود جامه عمل بپوشاند از این رو او با حمایت البارسلان در سال ۴۶۵ق. مدینه را ضمیمه قلمرو خود کرد و با خواندن خطبه به نام خلیفه عباسی، امیرالحرمین نام گرفت.<sup>۲</sup> گزارش‌هایی که در این عصر از امیران مکه با عنوان امیرالحرمین یاد کرده‌اند، حاکی از تابعیت امارت مدینه از مکه است.<sup>۳</sup>

روابط فاطمیان با شرفای حسینی در چند نوبت قطع و یا به سردی گرایید از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱ محمد بن علی حسینی ابن طقطقی (۱۴۳۳ق)، *الاصیلی فی انساب الطالبیین*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، الطبعة الثانية؛ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

۲ القلقشندی، همان، ج ۴، ص ۳۰۲.

۳ ابن اثیر، همان، ج ۸، ص ۶۱۲.

۴ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۰۱؛ سرور جمال‌الدین (۱۹۷۶م)، *سیاسة الفاطمیین الخارجیة*، قاهره: [بی‌نا]، ص ۲۵.

۱ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۱.

۲ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۰۳؛ سخاوی، همان، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳ سخاوی، همان، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ج ۲، صص ۳۷۴، ۳۶۸؛ عارف احمد عبدالغنی (۱۴۱۸ق)، *تاریخ امراء المدینة المنورة*، چ ۱، تهران: نشر اقلیم، صص ۲۴۵-۲۴۶؛ عبدالباسط بدر (۱۴۱۴ق)، *التاریخ الشامل للمدینة المنورة*، ج ۲، مدینه: [بی‌نا]، ص ۲۱۶.

**انکار و نفی نسب فاطمیان:** آل مهنا در سال ۳۹۰ ق. به عنوان شرفای حاکم بر مدینه نسب فاطمیان را منکر شدند. در منابع دلیل این اقدام چندان روشن نیست. به نظر می‌رسد عباسیان و آل بویه مسبب تحریک آل مهنا بوده‌اند. به هر روی اقدام امیر مدینه مناسبات آنان را دچار تنش کرد. به گونه‌ای که الحاکم فاطمی در این سال همراه کاروان حج مصریان، لشکری را همراه امیر مکه ابوالفتح برای سیطره بر مدینه اعزام کرد که نتیجه آن فرار امیر مدینه و چیرگی ابوالفتح بر آن شهر و سیادت مجدد فاطمیان بر حرمین بود.<sup>۱</sup> که این حضور تا سال ۴۹۲ ق. ادامه یافت و در این برهه صد ساله، آل مهنا با افت و خیزهایی بر مدینه حکمفرما بودند.<sup>۲</sup>

مطابق گزارشی دیگر، الحاکم در سال ۴۰۰ ق. وقتی متوجه شد افرادی قصد گشودن منزل امام جعفر صادق را دارند، فردی از داعیان خود به نام خنکین العَضُدی را برای برعهده گرفتن این امر فرستاد. پس از تفحص در منزل امام، قرآن، شمشیر، کساء قدح و سریری در آن یافتند. گروهی از علویان العَضُدی را تا مصر همراهی کردند تا به جهت ارتباط نسبی با امام جعفر صادق (ع)، آن اشیاء را تصاحب کنند. اما الحاکم خود را محقتر دانست و تنها سریری به آن‌ها داد.<sup>۳</sup>

آنچه می‌توانست بر رابطه فاطمیان با شرفا تأثیر بگذارد، بحران‌های اقتصادی بود که به سرعت بر تیرگی روابط و یا کم شدن نفوذ فاطمیان بر حجاز منجر می‌شد، که سیادت فاطمیان بر مدینه و شرفای حاکم بر آن در نیمه دوم سده پنجم هجری زمانی به سردی گرایید که فاطمیان با بحران اقتصادی مواجه شدند. این بحران از سال ۴۶۱ ق. آغاز شد و شرفای حرمین را هنگام وعده پاداش خلیفه بغداد برای تبعیت امیر مدینه از بغداد به سال ۴۶۲ ق. متزلزل کرد.<sup>۱</sup> هنگامی که محمد بن ابی‌هاشم، امیر مکه از القائم بامر الله عباسی و سلطان سلجوقی، آلبارسلان حمایت کرد.<sup>۲</sup>

مالیات نهادن بر زائران مرقد نبوی هم بر روند روابط مؤثر بود. چنان‌که در سال ۴۹۲ ق. در پی مالیات بستن حسین بن مهنا بر زائران مدینه، حسین بن احمد علوی مشهور به مِخِیْط قیام

۱ ابن خلدون، همان، ج ۴، ص ۱۴۰؛ بدر عبدالباسط، همان، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲ القلقشندی، همان، ج ۴، صص ۳۰۳-۳۰۴؛ عبدالغنی، همان، صص ۵۰۴-۵۰۵.

۳ ابن تغری بردی، همان، ج ۴، ص ۲۲۲؛ ابن اثیر، همان، ج ۹، ص ۲۱۹؛ ذهبی، همان، ج ۲۷، ص ۲۴۳؛ ابن جوزی، همان، ج ۱۵، ص ۷۱.

۱ سباعی، همان، ص ۲۵۷

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۰، ص ۶۱؛ سباعی، همان، ص ۲۵۷.

کرد و امیر مدینه را فراری داد؛ اما امارتش هفت ماه بیشتر دوام نیافت.<sup>۱</sup> شرفای حسینی مدینه با ضعیف شدن فاطمیان مناسبات خود را با عباسیان گسترش دادند روابط خوب امرای مدینه با عباسیان با سفر قاسم بن مهنا به بغداد در سال ۵۷۶ق. در خلافت مستضیء بالله که با استقبال و آغوش گرم خلیفه عباسی و تأیید امارت قاسم بر مدینه مواجه شد توسعه یافت. قابل ذکر است که اوج شکوه فاطمیان از سال ۳۶۶ق. از ورود المعز به مصر تا مرگ المستنصر است (م ۴۸۷ق) و بعد از او مرحله سوم دولت فاطمیان (عصر وزرا) شروع می شود که آرام آرام انحطاط ایشان آغاز می گردد.

در پایان خلافت فاطمیان، زنگیان و در سال ۵۵۷ق. نورالدین محمود زنگی حاکم حلب با کاروان بزرگی به حج آمد و اموال فراوانی در حرمین انفاق کرد که از نظر سباعتی شاید حج او را بتوان یک حج سیاسی دانست.<sup>۲</sup> نورالدین، اسدالدین را برای دفع صلیبیون به مصر فرستاد و نیز برادرش صلاح الدین را که عاضد او را وزیر خود کرد بدین ترتیب در مصر خلافت فاطمی و حکومت زنگی حکم فرما شد و بدین ترتیب زنگی ها در امارت عیسی بن فلیته بر حجاز نفوذ یافتند و خطیب به موازات دعا برای فاطمیان برای زنگیان نیز دعا می کرد.<sup>۳</sup>

### نتیجه گیری

بررسی روابط سیاسی و فرهنگی فاطمیان با شرفا نشان داد که همواره دولت فاطمیان به عنوان دشمن و رقیب خلافت عباسی، در امور حرمین که شرفا بر آنها حاکم بودند دخالت داشته، برای تحکیم سیادت خود و تثبیت رقابت، پیوسته با عباسیان و دولت های حامی آنان از جمله آل بویه و سلجوقیان در حجاز به اقداماتی دست می زدند.

بررسی های مقدماتی نشان داد وابستگی های اقتصادی و مالی شرفا به فاطمیان برای ایفای نقش در حرمین و جریان های داخلی دو دولت، مهم ترین دلایل تأثیرگذار بر روابط سیاسی شرفا با فاطمیان بوده است. پژوهش در محتوای منابع نشان داد که روابط ستیزه جویانه فاطمیان و دولت های حامی عباسیان بر حیات دولت شرفا تأثیر به سزایی داشته است. در واقع این دولت ها نقشی دو گانه در روابط شرفا با فاطمیان ایفا کرده اند. دیگر دست آمد بررسی های به عمل آمده آن که نیازهای مالی شرفا مهم ترین نقش را در فراز و فرود روابط سیاسی دو

۱ سباعتی، همان، ص ۲۶۵.

۲ سباعتی، همان جا.

۳ فاسی، همان، ج ۲، ص ۲۳۰.

دولت شرفا و فاطمیان برعهده داشته است. هروقت نیازهای مالی شرفا شدت می یافت و فاطمیان از ارسال آن ناتوان بودند، روابط شرفا با دولت رقیب فاطمیان یعنی خلافت عباسیان توسعه می یافت. همچنین جزئیات مطرح شده در منابع، حاکی از آن است که فاطمیان برای کسب سیادت بر حرمین از سیاستها و اقدامات متعددی بهره برده و نفوذ خود را برامارت شرفا از طرق اقتصادی کمکهای مالی، دلجویی از امرای مکه و احترام به آنان و نیز گاهی از راه تهدید نظامی حفظ کرده اند. مطالعه گزارشهای تاریخی نشان داد که میان شرفا و فاطمیان غالباً روابط مستحکم و پیوسته ای برقرار بوده است که این روابط حسنه برگرفته از نسب و مذهب طرفین و منافع سیاسی و مذهبی بوده است. بیشترین انتظار فاطمیان از شرفا، اعلام اطاعت و خواندن خطبه به نام آنان و پذیرفتن مشروعیت مذهبی و سیاسی آنها بوده است و شرفا هم ضمن جلب حمایت انتظار حمایت، مالی و سیاسی از فاطمیان داشته اند.

### منابع و مأخذ

- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی الکرام (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن العمرانی، محمد بن علی (۱۴۱۹ق)، الانباء فی تاریخ الخلفاء، به کوشش سامرائی، قاهره: دارالآفاق العربیه.
- ابن تغری بردی، یوسف (۱۳۹۲ق)، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، به کوشش شلتوت و دیگران، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۳۷۰ش)، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۹۹۰م)، مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان، بغداد: جنان جلیل محمد هموندی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق)، العبر، به کوشش خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
- ابن خلکان، احمد بن محمد [بی تا]، وفيات الاعیان و انباء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالثقافة.
- ابن طقطقی، محمد بن علی حسنی (۱۴۳۳ق)، الاصلی فی انساب الطالبیین، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، الطبعة الثانية.
- ابن فهدالمکی، عبدالعزیز (۱۴۰۹ق)، غایة المرام باخبار سلطنة البلد الحرام، به کوشش شلتوت، السعودیه: جامعة القری.
- ابن فهد، نجم الدین عمر (۱۴۰۴ق)، اتحاف الوری باخبار ام القری، تحقیق محمد فہیم شلتوت، مکه: ام القری.
- ابن فرحون [بی تا]، تاریخ المدینة المنورة، به کوشش شکری، بیروت: دارالارقم.



- ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل بن عمر (۱۴۰۷)، البداية و النهاية، بيروت: دار الفكر.
- احمد عبدالغنى، عارف (۱۴۱۳ق)، تاريخ امراء مكة المكرمة، دمشق: دار البشائر.
- احمد عبدالغنى، عارف (۱۴۱۸ق)، تاريخ امراء المدينة المنورة، تهران: نشر اقليم.
- بدر، عبدالباسط (۱۴۱۴ق)، التاريخ الشامل للمدينة المنورة، مدينة: [بی نا].
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، اطلس شيعه، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ---- (۱۳۸۹)، راه حج، تهران: زيتون سبز، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جمال الدين سرور، محمد (۱۹۷۶م)، سياسة الفاطميين الخارجيه، قاهره: [بی نا].
- الخرابشه، سليمان (۱۳۸۵ش)، رقابت عباسيان و فاطمیان در سيادت بر حرمين شريفين، ترجمة رسول جعفریان، تهران: نشر مشعر.
- دحلان، احمد بن زيني (۱۳۰۵)، خلاصة الكلام في بيان امراء البلد الحرام، مصر: المطبعة الخيرية.
- ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد (۱۴۱۳)، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دار صادر - الكتاب العربى.
- راوه، عبدالفتاح حسين (۱۴۰۷ق)، امراء البلد الحرام عبر عصور الاسلام، طائف: مكتبة المعارف.
- الزيلعي، احمد عمر (۱۴۲۵)، مكة و علاقاتها الخارجيه ۳۰۱-۴۸۷ق، بيروت: الدار العربية للموسوعات، طبعة الثانية.
- سباغى، احمد (۱۳۸۵ش)، تاريخ مكة از آغاز تا شرفای مكة، ترجمة رسول جعفریان، تهران: مشعر.
- سخاوى، شمس الدين (۱۴۱۴ق)، التحفة اللطيفة في تاريخ المدينة الشريفة، بيروت: دار الكتب العلمية.
- سمهودى (۲۰۰۶م)، وفاء الوفاء، به كوشش محمد عبدالحميد، بيروت: دار الكتب العلمية.
- سنجارى، على بن تاج الدين (۱۴۱۹ق)، منائح الكرم في اخبار مكة و البيت و ولاة الحرم، مكة: جامعة أم القرى.
- طقوش، محمد سهيل [بی نا]، تاريخ الفاطميين في شمال افريقيه و مصر و بلاد الشام، قاهره: دار النفائس.
- طهماسبى، ساسان (پاييز ۱۳۸۴)، مكة أوردگاه رقابت امراى ايرانى و مصرى (از قرن سوم تا ششم هجرى)، تاريخ پژوهان، س ۱، ش ۳.
- العصامى المكي، عبدالملك بن حسين (۱۴۱۹ق)، سمط النجوم العوالى في انباء الاوائل و التوالى، به كوشش عادل احمد و معوض، بيروت: دار الكتب العلمية.
- عبدالغنى مالكي، سليمان (۱۴۰۳ق)، بلاد الحجاز منذ بدايه عهد الشرفا حتى سقوط الخلافة العباسية في بغداد، رياض: مطبوعات داره الملك عبدالعزيز.
- فاسى، تقى الدين محمد بن احمد (۱۹۵۶م)، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، مكة: مكتبة التهفة الحديثة، جزء اول.
- ---- [بی نا]، الزهور المقتطفة من تاريخ مكة المشرفة، تحقيق اديب محمد غزاوى، بيروت: [بی نا].
- ---- (۱۴۱۹ق)، العقد الثمين في تاريخ بلاد الامين، تحقيق محمد عبدالقادر احمد عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.

- القلقشندی، احمد (۱۹۸۱م)، صبح الاعشى فى صناعة الانشاء، به كوشش سهيل زكار، دمشق، وزارة الثقافة.
- متز، آدام (۱۳۶۲ش)، تمدن اسلامى در قرن چهارم هجرى، ترجمه ذكاوتى، تهران: انتشارات اميركبير.
- محسن الامين (۱۳۷۱ش)، اعيان الشيعه، به كوشش حسن الامين، بيروت: دارالتعارف.
- مديرس، عبدالرحمن (۱۴۲۲)، المدينة المنورة فى العصر المملوكى، رياض: مركز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الاسلاميه.
- مسكويه رازى، ابو على (۱۳۷۹ش)، تجارب الأمم، تحقيق ابو القاسم امامى، تهران: سروش، طبعه الثانية.
- مقرئى، احمد بن على (۱۴۱۸ق)، المواظ و الاعتبار فى ذكر الخطط و الآثار، به كوشش خليل المنصور، بيروت: دار الكتب العلميه.
- ---- (۱۴۱۶ق)، اتعاظ الحفء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، به كوشش الشيال، مصر: وزارة الاوقاف.
- ميرابو القاسمى، رقيه و ديگران (۱۳۸۹ش)، درباره حج، تهران: نشر كتاب مرجع.
- ناصر خسرو قباديانى (۱۳۸۱ش)، سفرنامه ناصر خسرو، تهران: زوار.
- نوبرى، احمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۳ق)، نهاية الارب، قاهره: دارالكتب و الوثائق.

